

## کدام کشور حامی جنگ ایران و عربستان است؟



اگر در میان تمامی کشورهای جهان به استثنای اسرائیل، بنا باشد که تنها یک کشور از جنگ میان ایران و عربستان سعودی حمایت کند، روسیه است. قبل از ادامه این بحث، باید به این سوال جواب بدهم که چرا برخلاف تصور رایج ایالات متحده از چنین جنگی حمایت نمی‌کند؟

به گزارش آران نیوز: در اولین پیامد جنگ احتمالی ایران و عربستان، بهای نفت از مرز ۲۰۰ دلار فراتر خواهد رفت. ایالات متحده در وارد کردن تنها ۲۰ درصد از نفت خود را به خلیج فارس وابسته است و ۷۵ درصد از نفت صادراتی خلیج فارس به مقصد شرق آسیا حرکت می‌کند. بنابراین هرچند بهای بالای نفت به اقتصاد آمریکا آسیب خواهد رساند اما آنرا نابود نمی‌کند. ممکن است به نظر برسد که جنگ احتمالی بخاطر وابستگی قدرت‌های آسیایی و در راس آن‌ها چین به نفت وارداتی از خلیج فارس، در درجه اول با ضربه‌ای مهلک به اقتصاد چین، رشد آن را متوقف خواهد کرد که البته برای آمریکا در نگاه اول خبر خوبی است اما این امیدواری بسرعت رنگ می‌بازد؛ چون نه تنها چین سومین شریک تجاری آمریکاست بلکه اقتصادهای مصرف کننده نفت در شرق آسیا، ستون‌های نظام اقتصاد عالمگیری را تشکیل داده‌اند که ایالات متحده در ۱۹۴۵ پایه گذاشت. بحران مالی، رکود و یا برهم خوردن توازن تجاری در این کشورها علاوه بر ایالات متحده، ثبات اقتصاد جهانی را به رخوتی مشابه فروپاشی اقتصادی ۱۹۲۹ فروخواهد برد. واشنگتن دلایل استراتژیک دیگری برای مخالفت با جنگ ایران و عربستان نیز در دست دارد. به محض شلیک اولین گلوله‌ها، ایالات متحده چهار گزینه در پیش رو خواهد داشت. نخست آنکه با ممارست دیپلماتیک بکوشد تا شعله‌های جنگ را در مدت زمانی کوتاه‌تر از آنچه برای تعیین پیروز نبرد لازم است، خاموش کند. دوم؛ با اجرای تعهدات امنیتی‌اش در برابر عربستان سعودی و شیخ نشین‌های خلیج فارس، رو در روی ایران بایستد. در اینصورت آمریکای اوپاما به کابوسی دچار خواهد شد که پیش از این با تمام قوا کوشیده است از آن دور بماند. بعلاوه، چنین جنگی تنها میراث اوپاما یعنی توافق هسته‌ای را نابود خواهد کرد؛ بدون آنکه چشم اندازی از توافق مجدد، منصرف کردن ایران از تولید تسلیحات هسته‌ای و یا حتی پیروزی قابل پیش بینی در جنگ با ایران وجود داشته باشد.

سوم؛ ایالات متحده می‌تواند با بها دادن به انتقادهایی که عربستان سعودی را مقصر گسترش تروریسم در جهان می‌دانند، به سمت ایران متمایل شود. این ناشیانه‌ترین انتخابی است که ممکن است کاخ سفید انجام دهد؛ چون در اینصورت حامل پیامی با این محتوا به متحدانش در اروپا و شرق آسیا خواهد بود که ایالات متحده قصد ندارد به تعهدات امنیتی‌اش در برابر دشمنان پایبند بماند. اگر این اتفاق رخ دهد، ژاپن، کره جنوبی و آلمان هرآنچه برای تولید تسلیحات هسته‌ای لازم است را انجام خواهند داد تا در صورت سرباز زدن ایالات متحده از اجرای تعهدات امنیتی، توانایی دفاع از خود را حفظ کنند. اتحادیه اروپا زودتر از موعد به فروپاشی نزدیک‌تر خواهد شد و تعداد کمتری از اعضای ناتو به اتاق فرمان واشنگتن چشم خواهند دوخت. همینطور این تصمیم اشتباهی چین و روسیه را به ترتیب در شمال شرق آسیا و اروپای شرقی و در رابطه با مرزها و موضوعات مورد اختلاف تحریک خواهد کرد. انتخاب چهارم برای ایالات متحده؛ اتخاذ بی‌طرفی در جنگ ایران و عربستان سعودی است که به اندازه انتخاب سوم برای سیاست‌های جهانی آمریکا پیامدهای مرگبار در پی دارد به انضمام اینکه چین، هند و روسیه رقابتی همه جانبه را برای جبران خلاء ژئوپولیتیکی حاصل از عقب نشینی و بی‌میلی ایالات متحده در مناطق جهانی و خلیج فارس آغاز خواهند کرد. خواننده شکاک خواهد پرسید که چرا هیچیک از این اتفاقات در جنگ هشت ساله ایران و عراق رخ نداد؟ پاسخ در چند عبارت ساده نهفته است: توافق دو ابرقدرت پیرامون جنگ در فقدان عدم تعهد امنیتی به هرکدام از طرف‌های درگیری، محدودیت میدان جنگ به مرزهای مشترک ایران و عراق و مهم‌تر از همه کوشش خدشه ناپذیر عربستان سعودی در بالابردن تولید نفت اوپک و پایین نگه داشتن بهای نفت که موجب شد، جهان صنعتی، اختلالی در اقتصاد جهانی را بابت وقوع جنگ در بزرگ‌ترین منبع انرژی جهان متحمل نگردد. در یک نوبت، عربستان سعودی در دسامبر ۱۹۸۵ بهای نفت را از ۳۱ دلار در یک سال قبل به کمتر از ۱۰ دلار و ۴۲ سنت کاهش داد تا با اطمینان دادن به اقتصاد جهانی، همزمان به ایران و عراق فرصت دهد تا کمی بیشتر توانایی‌های یکدیگر را به تحلیل ببرند. تا بدینجا این تردید باید برطرف شده باشد که ایالات متحده از کشنده شدن تنش ایران و عربستان به جنگ میان دو کشور استقبال نخواهد کرد. روی دیگر سکه، اشتیاقی است که روسیه به وقوع این جنگ خواهد داشت حتی اگر امروز آن را بر زبان نراند. دلیل اول؛ روسیه وارد کننده مهم نفت نیست. با وارد کردن تنها ۱۶ هزار بشکه در روز کمتر از بوسنی و هرزه گوین به نفت خارجی وابسته است. منابع عظیم نفت روسیه در سیبری آن را به بزرگ‌ترین تولید کننده نفت جهان تبدیل کرده و قرار داشتن در هارتلند اوراسیا، ارتباط ارگانیزمیک میان روسیه و اروپا در مبادلات انرژی و کالا را در صورت عدم مداخله ملاحظاتی سیاسی اجتناب ناپذیر می‌کند. با فرو رفتن خلیج فارس در باتلاق جنگ ایران و عربستان، روسیه تنها جایگزین جبران صادرات نفت به بزرگ‌ترین مصرف کننده نفت خام جهان یعنی اتحادیه اروپا خواهد بود و اتحادیه اروپا در همراهی با چین، چاره‌ای جز تامین نیازهای انرژی خود از طریق روسیه نخواهند داشت. به دنبال افزایش بهای نفت و جذب سرمایه گذاری‌های خارجی می‌تواند مسرورانه به سرعت گرفتن رشد اقتصادی خود مطمئن باشد و مهم‌تر از آن، اتحادیه اروپا را از تعقیب سیاست مهار روسیه به پیروی از ایالات متحده منصرف کند. دوم؛ روسیه همزمان دومین کشور صادرکننده تسلیحات بعد از ایالات متحده است. هیچ چیز برای مجتمع‌های صنعتی- نظامی امیدبخش‌تر از جنگ‌های

فرسایشی میان کشورهای نیست که استقلال کافی در تولید تسلیحات ندارند. بعلاوه، شیوع هراس از وسعت گرفتن دامنه جنگ، سایر کشورهای همسایه را به ذخیره تسلیحات یا به گفته دیگر رونق دادن صادرات تسلیحاتی روسیه تشویق خواهد کرد. سوم؛ تا هنگامیکه ایالات متحده به دنبال انزوای روسیه باشد، تقریباً هرچیزی که برای آمریکا نامطلوب باشد، برای روسیه مطلوب است. به دردمس افتادن ایالات متحده بواسطه چهار انتخاب فوق، صورت بندی ژئوپولیتیک جهانی را به سمت یک جهان چندقطبی و رها از قید و بندهای آمریکایی هدایت خواهد کرد. مجموعاً روسیه تغییر تدریجی و آرام نظام جهانی متناسب با آمادگی‌های اقتصادی و نظامی روسیه را بر دگرگونی‌های ناگهانی که مستلزم عدم قطعیت‌های بیشتر در سیاست‌های امنیتی است، ترجیح می‌دهد اما اگر در شرایطی گریزناپذیر، قرار باشد تنها یک کشور از جنگ عربستان و ایران حمایت کند، روسیه این مسئولیت را برعهده خواهد گرفت.

منبع: خبرآنلاین